خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۵ . ۱۲ رمضان ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۸۲

## کنسرت ناظری‌ها در فضای باز تابستانی

شهرام و حافظ ناظری برای تهرانی‌ها در فضای باز کنسرت تابستانی می‌دهند. به گزارش ایسنا، حافظ ناظری که تور کنسرت «ناگفته» را با خوانندگی پدرش شهرام ناظری در سراسر ایران برگزار کرده است، دوباره در تهران روی صحنه می‌رود. این کنسرت مردادماه در فضای باز برج میلاد روی صحنه خواهد رفت و رپرتوار «ناگفته» با تغییر در قطعات و تنظیم آن‌ها برای علاقه‌مندان موسیقی ایرانی اجرا خواهد شد.

# پاسخ رامبد جوان به تمام حاشیه‌های «خندوانه»

### از توییت جنجالی تا بدل‌های مرتضی پاشایی

«خندوانه» حالا به بخشی از خاطرات جمعی ما تبدیل شده است. برنامه‌ای که در بدترین دوران رسانه ملی، گل کرد و توانست اعتماد مخاطبی را که دیگر از تلویزیون ناامید شده بود، دوباره جلب کند. با این حال و مثل هر برنامه موفق دیگری، خندوانه هم حاشیه‌های خودش را دارد. همان‌طور که جناب خان و نیما و مسابقه‌هایش را دارد. اما در میان تمام المان‌هایی که خندوانه را موفق کرده‌اند، شاید سهم رامبد جوان سهم دیگری باشد. او بر روی لبه تیغ تیزی راه می‌رود که سقوط از هر طرفش می‌تواند برایش به معنای پایان خیلی چیزها باشد. قرار است خندوانه به کجا برسد یا لااقل خیال دارد ما را با خود به کجا ببرد؟ رامبد جوان در گفت‌وگویی صریح و بی‌پرده به تمامی حاشیه‌های ریز و درشت برنامه خندوانه پاسخ گفت و از برنامه‌اش دفاع کرد.

**برای این که این برنامه تبدیل به یک برنامه روتین نشود چه نقشه‌ای دارید؟**

خیلی کارها می‌شود کرد. ما الان کلی ایده‌های کوچک و بزرگ داریم و حتی اگر از همین الان بخواهیم همه را اجرا کنیم دو سال دیگر هم می‌توانیم روی آنتن باشیم. یک بخش پول و هزینه است، یکسری ایده‌ها واقعاً جذاب و مهم‌اند، باید هم انجام شوند اما واقعاً هزینه‌بر هستند. مورد دوم این است که ما به‌اندازه کافی نیرو نداریم. نه اینکه خندوانه نیرو نداشته باشد، اصولاً نیروی انسانی متخصص درجه یک خیلی زیاد نیست. کسی که خیالت راحت باشد تمام ویژگی‌هایی که می‌خواهی را دارد و سلیقه‌اش هم با برنامه جور است. متأسفانه آن‌قدر به شادی، کمدی، بامزگی و طنازی کم‌بها داده‌ایم که آدم‌هایش هم کم است. استارت ما خانواده با حال بود با این هدف که سرپا شویم. اوضاعمان درست‌تر شده است و الان می‌توانیم مسائل جدیدتری را ارائه دهیم.

**اما این بعضی وقت‌ها جواب نمی‌دهد.**

چیزی که باید از خروجی کار روی آنتن برود می‌بایست جذابیت یک برنامه را داشته باشد. مهم این نیست که شرکت کننده در مسابقه چقدر از پس آن برخواهد آمد. عرضم این است که این ایده‌ها و خیلی ایده‌های دیگر همچنان وجود دارند. حتی ایده‌هایی که بعضی‌هایش وام گرفته از پروژه‌های موفق جهان هستند که به نظرم اصلا بد نیست. این تصور که آدم‌ها از روی همدیگر کپی می‌کنند، بد و غلط است، درست نیست. مثلا بدیهی است که من به یک ایده فرانسوی نگاه کنم و آن را اجرا کنم، اما قابل توجه است زمانی محصول من موفق خواهد شد که من بتوانم آن را از فیلتر، فرهنگ، جنس، برنامه و نورپردازی‌ام رد کنم و آن را ارائه دهم و شما آن را تماشا کنید و بگویید بد هم نیست می‌توان تماشایش کرد. راجع به مسابقه کتابخوانی، استندآپ، همین لباهنگی که راه انداختیم ایده‌های جدید داریم و قطعاً هم آن‌ها را انجام خواهیم داد.

**تیتراژی که برای برنامه‌تان مدنظر قرار داده بودید و پارسال در جشن حافظ آن را رونمایی کردید، تیتراژ بسیار خوبی بود، چرا جلوی اجرایش را گرفتند؟**

گفتند از آن برداشت سیاسی می‌شود. مقداری جزئیات هم گفته شد، اما ترجیح می‌دهم منتقلشان نکنم، درست است برای ما تیتراژ گرانی هم شد، اما موضوعی است که گذشته و رفته.

**بهترین برنامه خندوانه در این دو فصل و اندی که اجرا کردید کدام بوده است؟**

مسابقه کمدین‌ها برایم خیلی جذاب و هیجان‌انگیز بود، اما قسمت‌هایی که از نظر موضوع برایم جذابیت داشتند؛ شبی بود که جانبازان اعصاب و روان آمدند، آن برنامه برایم حیرت‌انگیزترین برنامه بود.

واقعاً فراموش‌نشدنی است. مشخص است که من وظیفه خودم می‌دانم که به آن دوره احترام بگذارم. کدام کشور دوره‌ای را که جنگیده، شهید داده و آثارش هنوز وجود دارد، نادیده می‌گیرد و فراموش می‌کند؟

این جزو ذات بشر است و باید به آن احترام گذاشته شود. این که می‌گویند، جانباز آورده پس سفارش شده، این طور نیست. چه سفارشی؟ یعنی ما آن‌قدر ابله و نمک‌نشناس هستیم برای اینکه جانباز به برنامه‌مان بیاید، باید به ما سفارش شود؟

**درباره حواشی که در مورد مترو و اسپانسر گرفتنتان پیش آمد توضیح دهید؟**

ما پارسال متهم شدیم پانصد میلیون تومن از مترو گرفتیم و... اولا نمی‌دانم چرا اسپانسر داشتن یکهو تبدیل به پوئن منفی می‌شود.

**نه این چیز دیگری مطرح شده**

**ماجرای دعوت و...**

ماجرای اهل قلم، اولاً متأسفانه به نظرم تعداد زیادی از آنها اهل قلم نا اهل قلمی بودند. اصولاً موضوع کتاب دغدغه ماست و همیشه به آن پرداخته‌ایم. نه ربطی به ارشاد دارد، نه به اهل قلم و نه به نمایشگاه کتاب. در آن دوره هم گفتیم چشم، ما هم انجام می‌دهیم. روزی که اهل قلمی‌ها آمدند، اولاً هیچ هماهنگی با ما نبود، یعنی ما کاره‌ای نبودیم و نیستیم، اصلاً هر جا که گروهش را دعوت می‌کند و هماهنگ می‌شوند بیایند، خودشان تنظیم می‌کنند و فقط ما می‌گوییم فلان ساعت اینجا باشید و این پوشش را داشته باشید، بعد هم وقتی می‌آیید، فلان ساعت باید تحمل بکنید. همه این‌ها را هم به همه می‌گوییم. حتی اضافه‌تر هم می‌گوییم که وقتی کار زودتر تمام شد، خوشحال باشند و اگر کار طول کشید، دلخور نشوند، قرار بود، ساعت سه آنجا باشند، دوازده آمدند. این زود آمدن هم اصلاً به بچه‌های خندوانه ربطی نداشت. از طرف دیگر قرار بود، دویست نفر را بیاورند، اما سیصد نفر با خودشان آوردند. این اضافه شدن تعداد مهمانان هم باز نه به ما ربطی داشت و نه تقصیر ما بود، اما روی کار ما تاثیر می‌گذاشت؛ چون ما یک سری تماشاچی داریم و ظرفیت استودیوی ما هم در نهایت ۵۷۰ نفر است، آن روز اما این اتفاق افتاد و ما به ناچار بدون این که مقصر باشیم با ۱۰۰ مهمان اضافه مواجه شدیم.

سیصد نفر تماشاچی هم داشتیم. مهمانان ارشاد گفتند ما پول دادیم، آمده‌ایم و... ما هم گفتیم خیلی خب صبر کنید تا اوضاع را درست کنیم، اول باید برای این تعداد جا پیدا کنیم و از مردمی که آمده‌اند بخواهیم استودیو را ترک کنند. بعد من آمدم برایشان حرف زدم، عذر خواهی کردم.

گفتم اگر خسته شدید، معذرت می‌خواهم. گفتند که بچه‌هایتان با ما بد حرف زده‌اند، بچه‌های من با هیچ کس بد حرف نزده و نمی‌زنند، اما گفتند که به ما توهین شده. اما بخشی از ماجرا مثل زود آمدن و تعداد زیاد مهمانان به ما ربطی نداشت. همین را هم گفتم و بعد هم به این اشاره کردم که بالاخره همه چیز تمام می‌شود و می‌رود.

اما بعد رفتند و ادعا کردند که خندوانه هشتصد میلیون تومان پول خواسته، اصلا اینطور نیست و به ما ربطی ندارد، یک ریالش متوجه ما نیست. ما قرار نیست حتی یک ریالش را بگیریم. تلویزیون آن‌قدر جای بی در و پیکری نیست که یک برنامه بخواهد برای خودش پول تهیه کند، اصلاً اینطور نیست و اجازه نمی‌دهند که دریافت مستقیم داشته باشید..

**در رابطه با موضوع پاشایی هم حاشیه‌هایی به وجود آمد.**

موضوع پاشایی را من درک می‌کنم. این بازی بود که ما توی آن رفتیم و بدیهی است که انتظار می‌رود که چنین واکنش‌هایی اتفاق بیفتد، من با آن مشکلی ندارم و به نظرم خوب هم هست. اما این که ما پول می‌گیریم یا هشتصد میلیون تومان پول خواستیم این شیطنت است. غرض‌ورزی در آن هست، چون ما که نمی‌توانیم این را بخواهیم. این که گاز اشک‌آور را زدند، «شلیک گاز اشک‌آور» یا این که ما با تماشاچیان بدرفتاری می‌کنیم. این هم یک مدت بود. انتشار فهرست این که پوشش خانم‌ها چه باید باشد و چه نباشد. اینها شیطنت است و عادی نیست.

**و ماجرای توییتر و توییتی که گفته می‌شد شما آن را پاک کرده‌اید .**

آن شیطنت نبود، به نظرم گاف بود و نمی‌دانم از کجا آمد. من به هیچ کدام از وسایل خودم دسترسی مستقیم ندارم. ادمینی دارم که توییترم را می‌گرداند و همان ادمین کانال تلگرامم را می‌گرداند و همین طور اینستاگرامم را. من به او می‌گویم که این را استفاده کن، مثلاً می‌گوید که والیبال تبریک بگوییم، می‌گوید چیزی داری؟

می‌گویم یک تبریک بگو، بزن «دمشون گرم»، می‌گوید عکس بگذارم، می‌گویم خودت انتخاب کن و یکسری کارهای کلی را خودت انجام بده. اصلاً من دسترسی به این‌ها ندارم. خود برنامه‌سازی آنقدر پیچیدگی و ویژگی دارد که پرداختن به حاشیه به نظرم حماقت مطلق است. مثلا به نظرم احمقانه است که من بیایم در برنامه بگویم که ماجرای هشتصد میلیون تومانی که اهل قلم گفته بودند، دروغ است و به خندوانه ربطی ندارد، این می‌شود لوس بازی و بها دادن بیش از اندازه به آن، پس از آن می‌گذرم. من آدمی نیستم که برنامه و خودم را در حماقت بکنم و بخواهم جواب‌های ابلهانه بدهم.

**یک جاهایی می‌رسد که آنقدر دوز آن حاشیه بالاست که مجبور می‌شوید جواب بدهید، مثل قضیه امین حیایی و ژوله.**

بله ما مجبور شدیم آن را مدیریت کنیم.

**اما آن حاشیه به چیزهایی ربط داشت که نمی‌توانستید بی‌تفاوت باشید.**

بله، داشت به مسیرهای عجیبی ورود پیدا می‌کرد.

**عده‌ای می‌گویند خندوانه آنقدر اجتماعی شده که دارد مثل ماه عسل می‌شود؟**

نه کجا؟ مثال بزنید.

**راجع به همین برنامه افغانستانی‌ها و تأثیر حسی که روی مخاطب می‌گذارد.**

به نظرم اینطور نیست، وظیفه ما در خندوانه این هست که با چنین موضوعاتی مواجه بشویم. ممکن است یک جاهایی غم‌انگیز به نظر بیاید، اما به نظرم در غم‌انگیزی امید و حال خوب وجود دارد که در ماه عسل هم همین است، خندوانه هم همین است، امید می‌دهد در نتیجه جاهایی ممکن است شباهت پیدا کند و ایرادی ندارد. ولی برای ما چیز روتینی نیست، مدل ما اینطور نیست که اشک در بیاوریم، اما یک وقتایی هم اشکمان در می‌آید و هیچ اشکالی ندارد، آدمیزاد هستیم.

## مکث

### کیانیان: دوبار دچار شوک شدم

رضا کیانیان می‌گوید: در تمام این سال‌ها فقط دو بار در ۴۰ و ۶۰ سالگی‌ام دچار شوک شدم. وقتی ۴۰ ساله شدم، تصمیم گرفتم تا می‌توانم به خودم دروغ نگویم. اما دیدم خیلی مشکل است آدم به خودش دروغ نگوید و خود را بیهوده مبرا نکند. ۲۰ سال طول کشید تا توانستم این کار را انجام دهم. اما در ۶۰ سالگی هم دوباره دچار شوک شدم و تصمیم گرفتم تا جایی که می‌توانم، به دیگران هم دروغ نگویم.

### پاسخ عطاران به پیشنهاد بازی در «فروشنده»

رضا عطاران به تازگی در گفت‌وگویی به پیشنهاد اصغر فرهادی برای بازی در «فروشنده» اشاره کرده است. عطاران که در فیلم «رد کارپت» شوخی‌های بامزه‌ای را با اصغر فرهادی کرده بود، درباره پیشنهادی که اصغر فرهادی برای بازی در «فروشنده» به او داده می‌گوید: برای بازی در فیلم «فروشنده» هم با من تماس گرفتند ولی ما «دراکولا» را شروع کرده بودیم و متاسفانه نشد. به دستیارشان آقای سجادی حسینی گفتم: آخه الان موقعش بود؟!

### درآمد ۲۰ میلیونی آقای مجری

رضا رشیدپور در برنامه «دورهمی» مهران مدیری گفت: به تازگی به این نتیجه رسیدم اعتماد به نفس دارم اما این که مجری خوبی هستم را مردم باید بگویند ولی از برخوردها متوجه شدم مرا به عنوان مجری خوب قبول دارند. رشیدپور بیان کرد: جلوی دوربین از حوزه ادب خارج شدن کار خوبی نیست و فکر می‌کنم من جزو این مجریان نیستم و سعی کردم همیشه ادب رسانه‌ای را رعایت کنم. وی در خصوص درآمد خود بیان کرد: درآمدم ماهی ۲۰ میلیون است و اکثر درآمدم بابت کار در رشته سازه عمران است نه مجری گری.

### تکذیب آشتی تبریزی و افخمی

در حالی که سایت سینما سینما از آشتی بهروز افخمی و کمال تبریزی در مراسم افطاری به میزبانی محمدمهدی پورمحمدی سفیر سابق ایران در کشورهای آرژانتین، دانمارک و لهستان در ۲۶ خرداد خبر می‌دهد، ناصر عنصری قائم‌مقام مدیرعامل خانه سینما می‌گوید: خبر صحت ندارد من و تبریزی سر یک میز نشسته بودیم و افخمی هم روبه روی تبریزی نشسته بود. چند بار از تبریزی خواهش کرد به برنامه «هفت» بیاید و هر حرفی دوست دارد بگوید، اما تبریزی اعلام کرد این کار را نمی‌کند و حرفی برای گفتن با افخمی ندارد. افخمی وقتی این رفتار را دید او اخر مجلس به سمت تبریزی آمد و شروع به بوسیدن وی کرد و دوستان حاضر در مجلس هم عکس گرفتند. عنصری تاکید کرد: تا آنجا که متوجه شدم تبریزی هنوز به شدت از رفتار برنامه هفت با وی و روش این برنامه ناراحت و مکدر است و آشتی نکرده است. افخمی در ضیافت افطار حتی یک بار هم از کمال تبریزی عذر خواهی نکرد و فقط دائم از تبریزی تقاضا می‌کرد که به هفت بیاید و هر چه دوست دارد بگوید.

## چهره‌ها و خبرها

### میهمان جشنواره استانبول

جمشید هاشم‌پور با فیلم «هاری» به کارگردانی امیر احمد انصاری میهمان نخستین جشنواره فیلم‌های ایرانی در استانبول ترکیه می‌شود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «من خطر کردم که همه چی درست شه یا هیچی. هر کاری می‌کنم واسه خاطر بچه مونه که تو کوچه هایی که من بزرگ شدم بزرگ نشه.» هنگامه قاضیانی، میلاد کی‌مرام، مینا ساداتی و علیرضا کمالی، دیگر نقش‌های اصلی این فیلم را بازی می‌کنند.

### تعامل در کوچه شهید بی‌نام

فیلم «کوچه بی‌نام» با بازی پانته آ بهرام و کارگردانی هاتف علیمردانی وارد شبکه نمایش خانگی شد. این اثر داستان دو خانواده در کوچه شهید بی‌نام است که در جنوب شهر زندگی می‌کنند و درون خود دچار معضل بزرگی می‌شوند. حاج مهدی، معتمد خانواده و محله راه چاره را تعامل در درون خانواده می‌داند اما این تمام ماجرا نیست. باران کوثری، فرهاد اصلانی، ستاره پسیانی و فرشته صدر عرفایی دیگر بازیگران «کوچه بی‌نام» هستند.

### دچار مشکل تاندون در زاپاس

امیر جعفری با فیلم «زاپاس» به کارگردانی برزو نیک نژاد از ۹ تیر میهمان ۳۰ سینمای تهران و شهرستان‌ها می‌شود. داستان این فیلم درباره یک تیم فوتبال دسته سوم کشور است که به دسته دوم صعود می‌کند. یکی از بازیکنان دچار مشکل در «تاندون» می‌شود و خط اصلی داستان تا پایان بر اساس همین مشکل پیش می‌رود. ریما رامین فر، جواد عزتی، احمد مهرانفر و شبنم مقدمی نیز از بازیگران «زاپاس» هستند.

### دفاع از حقوق و کیان خانواده

لیلا زارع روزهای ابتدایی تیر ماه جلوی دوربین سریال «یکتا» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی خواهد رفت. این سریال که برای پخش از شبکه دو در پاییز امسال ساخته خواهد شد، یک ملودرام خانوادگی ۲۶ قسمتی است. «یکتا» با محوریت موضوع همدلی و ایثار در یک خانواده ایرانی به نقش مهم و تاثیرگذار زن در سرپرستی و تربیت فرزند بعد از فوت همسر و دفاع از حقوق و کیان خانواده در این شرایط می‌پردازد.

## بزرگداشت زنده یاد سبزواری در مشهد برگزار شد

**علیرضا حیدری**- انجمن شعر «آفتاب گردان‌ها»ی شهرستان ادب و دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، شامگاه چهارشنبه بزرگداشت زنده‌یاد حمید سبزواری را در حسینیه هنر مشهد برگزار کرد. در این مراسم تعدادی از شاعران سروده‌های تازه خود را با موضوع یادی از شاعر انقلاب حمید سبزواری، مدافعان حرم و آیینی قرائت کردند.

در ادامه محمد کاظم کاظمی به بررسی شعر و جایگاه پدر شعر انقلاب زنده‌یاد سبزواری پرداخت و با اشاره به این که سبزواری در کنار زنده‌یادان اوستا، شاهرخی و مشفق کاشانی چهاریار انقلاب در حوزه شعر سنتی بودند افزود: استاد سبزواری با سرودن چند تصنیف زیبا و خاطره انگیز نام و آوازه‌ای به دست آورد و با سرودن اشعار اجتماعی و انقلابی حضور پررنگی در شعر پس از انقلاب داشت. کاظمی افزود: سبزواری شاعری مردمی و دوست داشتنی بود. به طوری که در بزرگداشتش در سبزوار، گویا همه مردم شهر به مراسمش آمده بودند. همچنین بر سر زبان بودن تصنیف‌هایش حکایت از این دارد که شعر سبزواری فقط در دفتر اونیست و به درون جامعه رسوخ کرده است. کاظمی نصب تصاویر سبزواری را در مشهد اتفاق خوبی دانست که باید برای اهل فکر و فرهنگ رخ می‌داد. همچنین وحید جلیلی از سبزواری به عنوان شاعری یاد کرد که همواره از دفاع از انقلاب سرباز نزد و شعرش را در خدمت انقلاب قرار داد. وی با انتقاد از شاعرانی که به آرمان‌های کشور بی‌توجه‌اند گفت: ما شاعرانی داریم که برای «نلسون ماندلا» شعر گفته‌اند ولی برای امام (ره) بیتی ندارند ولی فردی مثل مرحوم سبزواری زندگی‌اش را در خدمت به انقلاب گذراند. در پایان استاد محمود اکبرزاده، شاعر و مداح اهل بیت (ع) به ذکر خاطراتی از مرحوم سبزواری پرداخت و ابیاتی از اشعار او را برای حاضران خواند.